

رابطه عشق و نفرت عربستان سعودی با لبنان

به قلم [حنین غدار](#) (/fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

۱۰ نوامبر ۲۰۲۳

همچنین دست‌یافتنی به

(English (/policy-analysis/saudi-arabia-and-lebanon-love-hate-relationship

Also published in Caravan

درباره نویسنده



[حنین غدار](#) (/fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

حنین غدار هموند فریدمن در برنامه گدولد در انستیتو واشنگتن است که بر سیاست کشورهای عربی متمرکز است. در این برنامه، مطالعات او در حوزه سیاست‌های شیعیان در سرزمین شام است.



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

ریاض دست یاری به سوی لبنان دراز نخواهد کرد مگر آن که واشنگتن در اجرای کامل پیمان طائف قدم بردارد قاقاچقیان کاپتاگون را متوقف کند و تسلط ایران و حزب‌الله بر لبنان را معکوس سازد

داستان رابطه بین عربستان سعودی و لبنان با چرخه‌هایی از دوستی و خصومت همراه بوده که گاه همزمان جریان داشته‌اند. رابطه‌ای از عشق و نفرت که در نهایت عربستان سعودی را دور نگه داشته اما موجب غیاب کامل آن از صحنه نشده است. دلیل اصلی دلسردی عربستان سعودی از لبنان قدرت حزب‌الله و حامی ایرانی آن است. با این حال پادشاهی سعودی رنجش دیگری را نیز به دل گرفته است که ناشی از فریبکاری نزدیکترین متحدان لبنانی عربستان است.

امروز عربستان سعودی دیگر لبنان را اولویت خود نمی‌داند. یمن امنیت خلیج فارس و سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خودش در اولویت هستند. اما از رها کردن کامل لبنان نیز عاجز است. پادشاهی سعودی بر لبه باریکی میان نارضایتی خود از تسلط در حال گسترش ایران بر لبنان و تمایل به کمک به این کشور شکننده که اهمیت چندانی برای جامعه بین‌المللی ندارد حرکت می‌کند.

تاریخچه کوتاهی از سرخوردگی

پیمان طائف (<http://www.presidency.gov.lb/Arabic/LebaneseSystem/Documents/TaefAgreementEn.pdf>) که به جنگ داخلی در لبنان در سال ۱۹۹۰ پایان داد آغاز مشارکت عربستان سعودی بود و ریاض میلیاردها دلار برای بازسازی کشور و مقابله با نفوذ فزاینده رژیم ایران به لبنان فرستاد. رفیق حریری نخست‌وزیر سابق لبنان- که پادشاهی سعودی او را شهروند وفادار هر دو کشور می‌دانست- موفق شد طرح عربستان در لبنان را محقق سازد که بر بازسازی سرمایه‌گذاری و توسعه بخش مالی لبنان متمرکز بود ولی به تاریخ جمعی جنگ سیاست‌های فرقه‌ای یا هژمونی در حال رشد سوریه در لبنان توجه چندانی نداشت.

زمانی که در نهایت حریری دشواری ایجاد توازن میان برنامه‌های سیاسی سوریه و ایران در لبنان را با طرح‌های اقتصادی و توسعه خود متوجه شد. حزب‌الله او را در سال ۲۰۰۵ ترور کرد که منجر به اعتراضات گسترده و تشکیل ائتلاف ۱۴ مارس شد. عربستان سعودی از این ائتلاف سیاسی به شدت حمایت مالی و سیاسی می‌کرد و امیدوار بود که سعد حریری فرزند رفیق حریری راه پدر را ادامه دهد. اما وقتی که حریری تصمیم به سازش (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/regional-dimensions-hariris-resignation-will-iran-and-hizballah-compromise>) با حزب‌الله گرفت امیدها ناامید شد.

در همین حال هر قدر عربستان سعودی از نفوذ و قدرت نظامی فزاینده ایران در منطقه خلیج فارس و یمن بیش از پیش به دردمس افتاد رهبری ۱۴ مارس نیز با ضربه ترورها تهدیدها و سازش‌ها روبرو شد. لبنان موجب دلسردی شد و به قعر فهرست اولویت‌های عربستان در منطقه سقوط کرد. حریری حمایت عربستان را از دست داد اما پادشاهی دیگر به یافتن جایگزین یا توانمند کردن آنچه که از ائتلاف ۱۴ مارس باقی مانده بود علاقه‌ای نداشت.

وقتی که عربستان سعودی کنار کشید ایران به سرعت شکاف قدرت را پر کرد. در سال ۲۰۱۶ میشل عون رئیس‌جمهور دست‌نشانده ایران در لبنان شد و حزب‌الله و متحدانش در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ پیروز شدند و با اتخاذ اکثر تصمیم‌های امنیتی مالی و سیاسی لبنان این کشور را به یک ورشکستگی تاریخی و سقوط مالی سوق دادند. شکاف در جامعه سنی نیز برای حزب‌الله و سوسه‌انگیز بود و موفق شد در آسیب‌پذیرترین بخش‌های آن جامعه نفوذ کند.

علیرغم تصمیم عربستان به عقب‌نشینی از صحنه سیاسی لبنان حزب‌الله با صدور بیانیه‌های آتشین به چالش با عربستان و متهم ساختن آن به حمایت از دولت اسلامی (داعش) در سوریه ادامه داد. حزب‌الله سپس پادشاهی سعودی و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس را با ارسال محموله‌های متعدد قرص‌های کاپتاگون بمباران کرد که داخل محصولات کشاورزی لبنان جاسازی و به آن کشورها قاچاق می‌شد. پس از چند فقره درگیری دیپلماتیک ممنوعیت واردات لبنانی و خروج سفیران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از لبنان عربستان حال خود را بر سر دوراهی می‌بیند: کمک‌های محدود سیاسی و بشردوستانه خود به لبنان را ادامه دهد یا این کشور دردمس‌ساز را رها کند و اجازه دهد تا لبنانی‌ها ثمره هژمونی ایران بر کشورشان را ببینند.

چشم انداز بلندمدت

ماه گذشته عربستان سعودی و شماری از کشورهای حوزه خلیج فارس بار دیگر از شهروندان خود خواستند لبنان را ترک کنند. اگرچه این هشدار بلافاصله پس از دور سنگین درگیری‌هایی صادر شد که در اردوگاه پناهندگان فلسطینی عین‌الحوه در صیدا رخ داد (<https://www.naharnet.com/stories/en/299590>) اما باید آن را در چارچوب دیدگاه گسترده‌تر عربستان - یعنی تداوم فشار سیاسی بر نخبگان سیاسی لبنان - نگرست.

به نظر می‌رسد که بخشی از سیاست کنونی عربستان سعودی در لبنان این باشد: عشق آتشین یا فشار سیاسی بی‌امان بر رهبران سیاسی لبنان و این فارغ از توافق اخیری است که با حمایت چین بین عربستان و ایران امضا شد. از نظر رهبری عربستان لبنان از هیچ راه‌حل منطقه‌ای سودی نبرده و احتمالاً نخواهد برد مگر آن که دست به اصلاحات بزند و با صندوق بین‌المللی پول به تفاهم برسد. لبنان باید میان سرسپردگی به ایران و هویت عربی خود یکی را انتخاب کند. این اصلی است که بر ورود سعودی به تلاش‌های اخیر بین‌المللی برای فشار به لبنان در انتخاب رییس‌جمهور و پایان دادن به این خلأ نهادی حاکم بوده است.

پس از تلاش نافرجام و مخاطره‌آمیز فرانسه که سلیمان فرنجه نامزد حزب‌الله برای ریاست جمهوری را موقتاً پیش راند عربستان قطر مصر ایالات متحده و فرانسه اخیراً توافق کردند (<https://www.reuters.com/world/middle-east/five-nation-group-lebanon-says-penalise-those-obstructing-presidential-election-2023-07->

[text=AMMAN,%20July%2017%20\(Reuters\),election%20of%20a%20new%20president](#) تا در روند انتخاب ریاست

جمهوری لبنان مشارکت کنند هیچک از این کشورها کاندیدای خاصی را حمایت نمی‌کند اما واضح است که رییس‌جمهور جدید نمی‌تواند متحد حزب‌الله باشد و باید بتواند دولتی تشکیل دهد که قادر به اجرای اصلاحات باشد برای عربستان اجرای پیمان طائف هم پس از سال‌ها تاخیر و تردید الزامی است

ضرورت اجرای این توافق ناشی از ترس موجه از برنامه‌های حزب‌الله برای تغییر قانون اساسی تغییر ساختار تقسیم قدرت در لبنان و تحمیل تقسیم کرسی‌های پارلمان به سه بخش است که به موجب آن شیعیان به جای یک‌چهارم یک‌سوم از کرسی‌ها را به دست می‌آورند با وجود تسلیحات حزب‌الله و هژمونی آن بر جامعه شیعه کسب کرسی‌های بیشتر در پارلمان به معنی کنترل بیشتر ایران بر نهادهای دولتی لبنان است

چنین تغییراتی بر استقرار هر دولت جدید تاثیر خواهد داشت از جمله بر انتصاب‌های سیاسی و امنیتی و جایی برای مقاومت در برابر هژمونی ایران باقی نمی‌گذارد اجرای پیمان طائف می‌تواند راهی برای جلوگیری از برنامه‌های حزب‌الله در بازسازی ساختار تقسیم قدرت در لبنان باشد به این معنی که ایران را از نفوذ در هویت و جریانات سیاسی لبنان بازدارد

بندهای حیاتی در این توافق وجود دارد که اجرا نشده و اگر می‌شد علاوه بر تضعیف حزب‌الله و متحدانش می‌توانست نهادهای دولتی را توانمند کند و شکاف‌های سیاسی فرقه‌ای را از میان ببرد برای عربستان سعودی این یک تقابل وجودی است که از ریاست جمهوری آغاز می‌شود اما فراتر از آن ادامه می‌یابد

در هر صورت عربستان سعودی مطمئناً هرگز به سیاست «دسته چک سفید» در لبنان برنخواهد گشت که با ارسال میلیاردها دلار به آن کشور همراه بود بدون آنکه شرایطی داشته باشد یا نتایج فوری بطلد آن روزها سر آمده است و اگر عربستان سعودی تصمیم به حمایت مجدد از لبنان بگیرد نتایجی را مطالبه خواهد کرد: کاهش شدید نفوذ ایران در لبنان اجرای پیمان طائف اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی مثل قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل و اصلاحات جدی از طریق برنامه صندوق بین‌المللی پول عربستان سعودی دیگر حمایت بی قید و شرط نثار لبنان نخواهد کرد اما ممکن است در لبنان سرمایه‌گذاری کند اما سرمایه‌گذاری در کشوری که زیر تهدیدها و تروریسم سر تسلیم فرود نمی‌آورد و وفادار به متحدان اقتصادی و سیاسی خود عمل می‌کند هرگونه پیشرفت مشروط به اجرای پیمان طائف خواهد بود

نقش آمریکا و توصیه‌های سیاست‌گذاری

اجرای اصلاحات و تضعیف حزب‌الله در لبنان باید در اولویت‌های ایالات متحده نیز قرار گیرد توافق عادی‌سازی مناسبات عربستان و اسرائیل با میانجیگری ایالات متحده محقق بشود یا نشود عربستان سعودی اسرائیل و ایالات متحده آمریکا کماکان حزب‌الله در لبنان را تهدیدی علیه منافع خود خواهند دید توافق‌های عربستان با اسرائیل ایران چین یا روسیه بر سیاست ریاض در لبنان بی‌اثر خواهد بود اما یک عامل بر آن تاثیرگذار است و آن نقش قوی‌تر ایالات متحده در لبنان است

ایالات متحده بزرگترین حامی مالی لبنان تا به امروز است کمک‌های آمریکا به لبنان از سال ۲۰۱۰ به این سو از چهار میلیارد دلار فراتر رفته است اما به جز کمک‌های امنیتی و بشردوستانه هیچ سیاست روشنی در قبال لبنان وجود نداشته است بیشتر فشارها برای تغییر در رهبری لبنان به فرانسه واگذار شده است و ژان ایو لودریان فرستاده ویژه دولت فرانسه در این امر نماینده آن است

اگر ایالات متحده سیاست شفاف و رویکرد عملی‌تری در پیش گیرد عربستان سعودی هم ممکن است تصمیم بگیرد تلاش‌هایش را در لبنان تقویت کند بخصوص اگر سیاست واشنگتن شامل محدود ساختن منافع ایرانی‌ها باشد برای نمونه چنان سیاستی می‌تواند شامل

اعمال تحریم‌های بیشتر علیه متحدان سیاسی حزب‌الله و جامعه تجاری آن و افشای پیوندهای حزب‌الله با حوثی‌ها یا دیگر گروه‌های مرتبط با ایران در کشورهای خلیج فارس باشد. علاوه بر این ایالات متحده می‌تواند برای جلوگیری از قاچاق کاپتاگون و همچنین توقف اقدام اخیر حزب‌الله در استخدام نیروهای رزمنده سنی در لبنان و اردوگاه‌های فلسطینی تلاش کند.

بدون شک پیمان طائف اشکالاتی دارد. مثلاً نواستار خلع سلاح تمامی شبه‌نظامیان می‌شود اما در مورد حزب‌الله استثنا قائل شده است و به جای آن که آن را شبه‌نظامی توصیف کند به دلیل مبارزه حزب‌الله با اشغالگران اسرائیلی در جنوب با آن گروه مانند یک «نیروی مقاومت» رفتار کرده است. به علاوه پیمان طائف ریشه‌کن کردن فرقه‌گرایی سیاسی را به عنوان یک اولویت ملی به رسمیت شناخته است اما هیچ جدول زمانی برای دستیابی به این هدف ارائه نکرده و در عین حال تقسیم قدرت فرقه‌ای در پارلمان را تأیید کرده است. این پیمان همچنین رژیم سوریه را به عنوان یک میانجی قدرت پس از جنگ در نظر گرفته است. نقشی که رژیم سوریه از آن سوءاستفاده کرد و تا سال ۲۰۰۵ آن را ادامه داد.

پیمان طائف علیرغم چنین نواقصی دارای عناصر ویژه‌ای است که ایالات متحده می‌تواند با تأکید بر آنها زمینه‌های مشترکی با عربستان سعودی پیدا کند. به عنوان مثال این پیمان شامل بندهایی با هدف اصلاحات استقلال قضایی تمرکززدایی دولتی تدوین یک قانون انتخابات غیرفرقه‌ای جدید و تشکیل یک مجلس سنا است. به روزرسانی و نوسازی این پیمان امری حیاتی است اما کار را می‌توان با اجرای بیشتر مفاد نسخه اولیه آن آغاز کرد. چنین اصلاحاتی ممکن است بازگشت عربستان را تسهیل کند. در غیر این صورت با برتری تشیع سیاسی و استقرار هژمونی حزب‌الله لبنان بیشتر و بیشتر به مدار ایران کشیده خواهد شد.

حنین غدار (https://www.washingtoninstitute.org/experts/hanin-ghaddar) پژوهشگر ارشد فریدمن در انستیتو واشنگتن و

نویسنده جستار این موسسه با عنوان «سیرزمین حزب‌الله نقشه ضاحیه و جامعه شیعه لبنان»

[https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/hezbollah-land-mapping-dahiya-and-lebanons-shia-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/hezbollah-land-mapping-dahiya-and-lebanons-shia-community)

[community](#) است که در سال ۲۰۲۲ انتشار یافت. این مقاله نخست در وبسایت انستیتو هورور

<https://www.hoover.org/research/saudi-arabia-and-lebanon-love-hate-relationship> منتشر شده است.



RECOMMENDED



تحلیل کوتاه

نشانه‌های همکاری ایران در حملات به پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق



(fa/policy-analysis/nshanhhay-hmkary-ayran-dr-hmlat-bh-paygahhay-nzamy-amryka-dr-raq/)



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

ریسک جنگ گسترده‌تر با ایران و گروه‌های نیابتی‌اش

۱۴ نوامبر ۲۰۲۳

دیوید شنکر

(fa/policy-analysis/rysk-jng-gstrdhtr-ba-ayran-w-grwhhay-nyabtyash/)



BRIEF ANALYSIS

Iranian Escalation in Iraq and Syria: Implications and U.S. Options

November 15, 2023, starting at 12:00 noon EST (1700 GMT)

Michael Knights ,
Devorah Margolin ,
Andrew J. Tabler ,
Wladimir van Wilgenburg

(/policy-analysis/iranian-escalation-iraq-and-syria-implications-and-us-options)

TOPICS

(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

(fa/policy-analysis/khlyz-w-syast-hwzh-anrzhy/) خلیج و سیاست حوزه انرژی

REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/ayran/) ایران

(fa/policy-analysis/kshwrhay-hashyhkhlyz-fars/) کشورهای حاشیه‌خلیج فارس

(fa/policy-analysis/lbnan/) لبنان